



جدید نداشتند. به استاد آمریکایی گفتم «من از کامپیوتر نمی‌توانم استفاده کنم. اگر کاری بود یا نامه می‌نویسم یا برایت فکس می‌فرستم».

من مانند بسیاری از هم‌سن‌وسالان خود تا مدت‌ها از کامپیوتر فرار می‌کردم. کامپیوتر وسیله‌ای بود لوکس و پیشرفته و من حوصله این که پشت این دستگاه بنشینم و با دکمه‌ها و فوت و فن آن آشنا شوم نداشتم، نیازی هم به این آشنایی در خود احساس نمی‌کردم. پیش خود می‌گفتم: از من گذشته، و گمان می‌کردم که اموراتم به‌رحال بی‌کامپیوتر هم می‌گذرد. وقتی صحبت از کامپیوتر می‌شد و دونفر مثلاً باهم درباره استفاده از اینترنت یا ماشین‌کردن مقاله و کتاب خود در کامپیوتر و سرعت این کار توضیح می‌دادند من گوش نمی‌دادم و اگر هم گوش می‌دادم دل نمی‌دادم. کامپیوتر وارد مرکز نشر دانشگاهی هم شده بود، ولی من طرفش نمی‌رفتم. تا این‌که در تابستان سال ۷۶ سفری به آمریکا کردم.

در جابلسای اینترنت (ضرورت خط لاتینی برای فارسی)

نصراالله پورجوادی

سخن کز روی دین گویی چه عبرانی چه سریانی
مکان کز بهر حق جویی چه جابلسا چه جابلسا
(سنایی)

از من گذشته هشت‌سال پیش، در اواخر اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۴، در همایشی بین‌المللی درباره تصوف،

که در شهر اوترخت هلند تشکیل شده بود شرکت کردم. روز آخر کنفرانس که شرکت‌کنندگان با هم خداحافظی می‌کردند و آدرس رد و بدل می‌کردند، یکی از استادان آمریکایی آدرسی به من داد که بتوانم از طریق کامپیوتر و اینترنت با او تماس بگیرم و گفت این نشانی ایمیل من است. من تا آن روز نه فقط نمی‌دانستم که ایمیل چیست و چگونه کار می‌کند، بلکه حتی اسمش را هم نشنیده بودم. پرسیدم ایمیل چیست. برایم قدری توضیح داد و گفت وسیله بسیار خوب و سریع و ارزان و مطمئنی است برای ارتباط برقرار کردن. درحین توضیح‌دادن او دوسه نفر دیگر از استادان آمریکایی و اروپایی نیز کنار ما ایستاده بودند و گوش می‌دادند، و ظاهراً آنها هم چندان اطلاعی از این وسیله ارتباطی

از جمله اشخاصی که در آن سفر دیدم همان بی‌سواد کور است استاد آمریکایی ایمیلی بود. او را در دفتر کارش در دانشگاه دیدم. از درس‌هایی که تدریس می‌کرد سؤال کردم. گفت در ترم گذشته تصوف درس می‌داده است. از او درباره محتوای درسش سؤال کردم. کامپیوترش روشن بود. دکمه‌ای را فشار داد و صفحه‌ای آمد (که بعداً فهمیدم به آن صفحه هوم‌پیج می‌گویند). از جایش بلند شد و به من گفت بیا روی صندلیم بنشین. نشستم. ماسماسک کامپیوتر را گذاشت جلویم و گفت: تا تو برنامه درسی مرا می‌بینی من می‌روم و برمی‌گردم. من تنها در اطاق نشسته بودم و پزویز به صفحه کامپیوتر نگاه می‌کردم. نمی‌دانستم با آن ماسماسک چه کار باید کرد. قدری آن را این طرف و آن طرف بردم، ولی اتفاقی نیفتاد. درست مانند بی‌سوادی بودم که از شخصی سؤالی کرده باشد و آن شخص کتابی را باز کرده و صفحه‌ای را که پاسخ سؤال در آن است به او نشان داده باشد. همان قدر که آدم بی‌سواد از دیدن آن صفحه دستگیرش می‌شد من هم از دیدن آن صفحه کامپیوتری دستگیرم شد. دوست و همکار آمریکایی پس از دقیقه‌ای چند آمد و من از جای او برخاستم و روی صندلی خودم نشستم و اصلاً هم به روی خودم نیاوردم که کامپیوتر را نخوانده‌ام.

احساس عجزی که من در برابر کامپیوتر کرده بودم تلخ و خجالت‌آور بود و من وقتی از اطاق آن همکار آمریکایی بیرون می‌آمدم تصمیم گرفتم که هرطور شده بروم به کلاس اکابر و

سواد کامپیوتر پیدا کنم. و همین که به ایران برگشتم دست به کار شدم.

مثل اکثر کارهایی که به نظر دشوار می‌آید و ما از آنها می‌گریزیم، دشواری یادگیری فوت و فن کامپیوتر هم تا قبل از تصمیم‌گیری بود. تصمیم که گرفتم کار خودبه‌خود آسان شده بود. هفته‌ای دوسه‌روز و روزی ده‌بیست دقیقه تعلیم گرفتم و طولی نکشید که توانستم براحتی با دوستان و آشنایان و کسانی که آن طرف دنیا بودند و با آنها کار داشتم از طریق ایمیل تماس برقرار کنم و بعد هم یاد گرفتم که وارد دنیای اینترنت شوم.

در دهه ۱۳۷۰ (۹۰ میلادی) دو حادثه مهم

در جهان اتفاق افتاد که به حالت ذهنی انسان نکانهای سختی وارد کرد و تحولی در دید و انتظارات بشر ایجاد کرد که قبلاً فکرش را هم نمی‌کرد. یکی از این دو حادثه ورود ماهواره به خانواده‌ها بود و دیگری دسترسی به اینترنت. فراموش نمی‌کنم روزی را که اولین بار به ماهواره دسترسی پیدا کرده بودم و در اطاق نشیمن خانه خود نشسته بودم و با فشار یک دکمه می‌توانستم از هند به پاکستان و از پاکستان به آمریکا و از ژاپن به انگلستان بروم. احساسی را که یک‌روز از دیدن و شنیدن نطق کلیتون در مسکو، که مستقیماً از ماهواره پخش می‌شد، به من دست داد هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. البته، بعداً اینها همه عادی شد و حتی دسترسی به اینترنت و ارتباط سریع و برق‌آسا با دوستان و آشنایان در نقاط مختلف دنیا آن اندازه شگفتی‌آفرین نبود. ماهواره احساس زمان و مکان و سنجش فاصله‌ها را در ارتباطات قبلاً در من دگرگون کرده بود.

هم‌اکنون پنج‌شش سال است که از ورود اینترنت به عالم ذهنی من می‌گذرد و در این مدت ارتباطات من با کسانی که زمانی روزها و هفته‌ها و بلکه ماهها طول می‌کشید تا نامه‌ای یا خبری از آنها دریافت کنم بکلی فرق کرده است. در یک چشم‌به‌هم‌زدن برای هرکدام از آنها که آدرس ایمیل داشته باشند پیغام می‌فرستم و یک آب‌خوردن بعد پیغام آنها را دریافت می‌کنم. اگر یک‌روز پای کامپیوتر نشینم و در صندوق ایمیل خود را باز نکنم، روز بعد باید دو برابر وقت صرف ایمیل‌هایم کنم. در ایمیل‌نوشتن و فرستادن، بسیاری از تعارفات و تکلفات حذف می‌شود، و به همین دلیل، در کارهای اداری راحت‌تر می‌توانیم با آشنا و غریبه تماس برقرار کنیم. تماس برقرارکردن با ایمیل نه تنها از نامه‌نگاری و فرستادن فکس بلکه حتی از تلفن‌زدن هم راحت‌تر است، چه در همه اینها، حتی در تلفن‌زدن هم، باید

مراعات بعضی از تعارفات را کرد. درحالی‌که این قیدوبندها را در ایمیل می‌توان حذف کرد.

در دانشگاههای آمریکا

دامنه استفاده از ایمیل و فواید آن را در سال گذشته که یک ترم تحصیلی را در آمریکا گذراندم مشاهده کردم. تقریباً همه کارها و ارتباطات استادان با دبیرخانه و بخشهای اداری با ایمیل انجام می‌گرفت. این قدر که داشتن کامپیوتر و ایمیل مهم بود تلفن مهم نبود. بخش اعظم ارتباطات من با دانشجویان هم از طریق ایمیل بود. دانشجو با ایمیل از من اجازه ثبت‌نام در کلاس را می‌گرفت، بامن قرار ملاقات می‌گذاشت، تکلیف خود را به من تحویل می‌داد، از من سؤال می‌کرد و جواب خود را دریافت می‌کرد. استادان برنامه درسی، جزوه‌ها و مطالب آموزشی دیگر خود را می‌توانستند بعضاً از طریق ایمیل و بعضاً از طریق تابلویی که دانشگاه در سایت مخصوص کامپیوتری آنان نصب می‌کرد به اطلاع دانشجویان برسانند. این وضع بزودی در دانشگاههای ما هم حاکم خواهد شد. باید بشود. بسیاری از دانشجویان ما هم‌اکنون با همان مهارت دانشجویان آمریکایی می‌توانند از کامپیوتر استفاده کنند، ولی مشکل بر سر استادان ما و دانشگاههای ما است که اغلب از قافله عقب مانده‌اند. بسیاری از استادان ما هنوز از کامپیوتر می‌ترسند و به طرف آن نمی‌روند.

در فضای مثالی

بخش دیگری که اینترنت در عالم ذهن ما ایجاد کرده است اطلاعات روز و اخبار است. کسب خبر از اینترنت سریعتر و آسانتر از کسب خبر از طریق روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون است. در روزنامه‌ها و رادیوها و تلویزیونها دیگران اخبار را برای ما انتخاب می‌کنند و به ما می‌دهند. ولی در اینترنت ما می‌توانیم که انتخاب می‌کنیم. حجم مطالبی که می‌توان به آنها دسترسی پیدا کرد بی‌اندازه است، ولی هرکس می‌تواند مطابق میل و خواست خود انتخاب کند، از هرکجا که بخواهد. با دانستن زبان اینترنت که امروزه انگلیسی است و داشتن سواد دیجیتالی، می‌توان از محتویات بخش اعظم روزنامه‌های جهان و مطالبی که در سایت‌های خبری مختلف وجود دارد باخبر شد؛ و مهم نیست که شما در کدام شهر و چه کشوری نشسته‌اید و جستجو می‌کنید.

اینترنت فضای خاصی در عالم ذهن ما ایجاد می‌کند که، با استفاده از اصطلاحات فلسفه اشراقی، می‌توان آن را فضای مثالی نامید. این فضای مثالی شهری است مانند جابلسا که در لامکان

زبانهای دیگر از آنها عبور کرد، ولی شهر دست انگلیسی‌زبانها و انگلیسی‌دانشهاست و نقاط دیدنی در محله‌های آنهاست. نامه‌نگاری با ایمیل نیز در اصل برای این زبان طراحی شده است. حتی اگر شما بخواهید به فارسی بنویسید، راحت‌تر این است که فارسی را به خط انگلیسی یا لاتینی بنویسید. صدها هزار ایرانی خارج از کشور که از طریق ایمیل با دوستان و آشنایان و اعضاء خانواده خود در ایران ارتباط برقرار می‌کنند طبعاً به فارسی نامه می‌نویسند، ولی با خط لاتینی و هرکدام از آنها هم روش خاصی برای برگرداندن خط فارسی به لاتینی به کار می‌برد. گویا سایتهایی ابداع شده که ایرانیان می‌توانند در این نوع نامه‌نگاریها از خط فارسی استفاده کنند، ولی باز هم اغلب آنان ترجیح می‌دهند که به خط لاتینی بنویسند. نوجوانان و جوانان که بزرگترین جمعیت ایرانی شهر جاپلسا را تشکیل می‌دهند به زبان فارسی، ولی به خط لاتینی باهم مکاتبه می‌کنند، چت می‌کنند، باهم قرار می‌گذارند و...

نوشتن فارسی به خط لاتینی کار پیچیده‌ای نیست، ولی بی‌اشکال هم نیست. ابهامات زیادی در خط رایج لاتینی وجود دارد. اصوات و حروفی هست که به آسانی می‌توان به لاتینی برگرداند، مانند پ/ p / میم/ m / نون/ n / دال/ d / ولی اصوات و حروفی هم هست که نمی‌توان به آسانی برگرداند. مثلاً چطور می‌توان میان ه و ح تمیز داد؟ س و ص را یک‌جور می‌نویسیم، همین‌طور ز و ذ و ض و ظ را. برگرداندن مصوت‌ها نیز کار ساده‌ای نیست. مثلاً زد و زاد هر دو zad نوشته می‌شود. همین‌طور کار و کو، که هر دو را معمولاً به صورت kar می‌نویسند. مصوت او را چگونه باید نوشت؟ با u یا با ou یا با oo. دروس را باید به صورت Darrus نوشت (همان‌طور که در تابلوی راهنمایی بزرگراه نوشته‌اند) یا Darrous؟ حرف ش را باید مانند انگلیسی sh نوشت یا مانند فرانسوی ch؟ بطورکلی تلفظ حروف در زبانهای مختلف فرق دارد و اگرچه غالباً در ایران با توجه به تلفظ انگلیسی حروف خط لاتینی را به کار می‌برند، ولی کسانی هم که با فرانسه یا آلمانی آشنایی دارند به‌طور طبیعی تلفظ فرانسوی یا آلمانی حروف را به کار می‌برند.

حل مشکلات و رفع ابهامات خط لاتینی برای زبان فارسی به‌عده‌ای اشخاص است، و هرکس باید ذوق و سلیقه خود را به کار ببرد، و البته اغلب هم این ذوق و سلیقه‌ها کارساز نیست و ابهامات همچنان باقی می‌ماند و مخاطبان برای درک مقصود نویسنده مجبورند به حدس و گمان متوسل شوند. گاهی هم هیچ راهی برای حل مشکل و رفع ابهام باقی نمی‌ماند.

است، اقلیم دیگری است، و بُعد دیگری در زندگی فکری و ذهنی ما ایجاد کرده است که با ابعاد دیگری که قبلاً انسان داشت بکلی متفاوت است. اختراع خط و کتابت و کتاب و روزنامه و حتی سینما و رادیو و تلویزیون هم البته هر یک در توسعه فضای ذهنی بشر مؤثر بوده‌اند، ولی عالم اینترنت و سایبراسپیس (فضای مثالی) فضای کاملاً جدیدی است شبیه هورقلیا و اقلیم هشتم. و تازه نسل من و امثال من کاملاً نتوانسته‌اند این فضای ذهنی و هورقلیایی را از آن خود کنند، آن‌طور که جوانان و نوجوانان ما کرده‌اند و می‌کنند. مسائل و مشکلات کامپیوتری مرا فرزند شانزده‌ساله‌ام برام حل و فصل می‌کند. نوجوانان نه تنها با عالم دیجیتال آشنایی دارند و سواد دیجیتالی آنها از والدینشان بهتر است، بلکه در فضای مثالی راحت‌تر و بهتر نفس می‌کشند. آنها اطلاعات خود را از راه اتصال با جاپلسای اینترنت کسب می‌کنند. از همین طریق با دوستان خود ارتباط برقرار می‌کنند، خود را از تنهایی به‌در می‌آورند، دوست جدید پیدا می‌کنند، با اشخاصی که هرگز نخواهند دید درد دل می‌کنند، وارد محفل‌های گپ (چت‌رومها) می‌شوند و باهم گپ می‌زنند (یا چت می‌کنند). و مهم نیست که این اشخاص اهل کدام شهر و دیارند و زبان اصلی آنها چیست. تنها چیزی که مهم است این است که شخص بتواند وارد جاپلسای اینترنت و فضای مثالی شده و آن را از آن خود کرده باشد.

در فضای مثالی و عالم هورقلیایی دیجیتالی کتابخانه‌هایی هست که می‌توان هر نوع اطلاعات و دانشی را از آنها کسب کرد. دانشگاه‌هایی هم هست که در رشته‌های مختلف می‌توان در آنها تحصیل کرد. این کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها را که virtual می‌گویند امروزه به غلط 'مجازی' ترجمه کرده‌اند، ولی کتابخانه virtual کتابخانه‌ای حقیقی است نه مجازی. دانشگاه virtual دانشگاه حقیقی ولی مثالی و هورقلیایی است.

زبان و خط
اینترنت
زبان اصلی اینترنت انگلیسی است و اگر کسی نتواند از این زبان استفاده کند اکثر قریب به اتفاق درهای شهر جاپلسا به روی او بسته است. البته، کوچه‌ها و پس‌کوچه‌هایی هست که می‌توان به

بسته‌بندیهای کالاهای صادراتی باید قاعده‌مند باشد و از یک استاندارد خاص پیروی کند. مسائل و مشکلاتی که به دلیل نداشتن یک خط قاعده‌مند لاتینی برای ما ایجاد شده است بیش از آن است که بتوان همه را در اینجا ذکر کرد.

ضرورت داشتن چنین خطی را کشورهای دیگری هم که خط آنها لاتینی نیست احساس کرده‌اند. من دیده‌ام که مثلاً ژاپنیها که خطی غیراروپایی دارند، سیستم واحد و یکسانی برای تبدیل اسامی و کلمات ژاپنی به خط لاتینی اختیار کرده‌اند، و این یکدستی و یکسانی را ما در تابلوهایی که اسامی خیابانها و محلات روی آنها نوشته شده است مشاهده می‌کنیم. من نمی‌دانم کشورهای دیگر، مثلاً کشورهای عربی یا چین، چه کار کرده‌اند، ولی به‌رحال در این که آنها هم ناگزیرند یک خط استاندارد لاتینی برای زبان خود داشته باشند جای تردید نیست. اختیارکردن چنین خطی جزو ضروریات زندگی جدید است. ما اگر بخواهیم در فرهنگ و سیاست و اقتصاد و بازار جهانی جایگاهی مطمئن و تعریف‌شده داشته باشیم، باید بتوانیم زبان خود را به شیوه‌ای علمی و دقیق وارد این فرهنگ و سیاست و بازار جهانی بکنیم. البته منظور این نیست که ما خط فارسی را در اینترنت وارد نکنیم. باید بکنیم و تاحدودی هم کرده‌ایم، ولی در کنار آن نیز باید بتوانیم با خط لاتینی زبان فارسی را بنویسیم و بخوانیم و برای این منظور بهتر است هرچه زودتر قواعد یکسانی وضع کنیم. محلّ تدوین قواعد این خط نیز باید فرهنگستان زبان و ادب فارسی باشد. ضرورت این کار را تاکنون پاره‌ای از اعضای فرهنگستان احساس کرده‌اند، ولی متأسفانه هنوز فرهنگستان زبان و ادب فارسی نتوانسته است، به اصطلاح امروزها، 'اولوبتهای' زبان فارسی را تشخیص دهد. قاعده‌مند و استانداردکردن خط لاتینی برای زبان فارسی هیچ لطمه‌ای به خط فارسی-عربی نمی‌زند. ما همچنان به استفاده از خط فارسی برای خودمان ادامه خواهیم داد و باید هم ادامه دهیم. مسئله بر سر تغییر خط نیست. مسئله بر سر قاعده‌مندکردن خطی است که هم‌اکنون به صورتی آشفته، بی‌قاعده، مبهم و مغشوش به کار برده می‌شود. ما امروزه اعداد را هم به صورت سنتی می‌نویسیم (۱، ۲، ۳، ...) و هم در مواردی آن را به صورت اروپایی (1، 2، 3، ...) و استفاده از اعداد اروپایی هم هیچ لطمه‌ای به اعداد سنتی نمی‌زند (اتفاقاً اساس هر دو یکی است، و هر دو را اروپاییان اعداد عربی می‌خوانند). اختیارکردن خط لاتینی هم که امروزه به صورت خط بین‌المللی و خط اصلی اینترنت درآمده است و آموختن آن نیز بسیار آسان است، هیچ لطمه‌ای به حیثیت و شأن خط فارسی نخواهد زد.

ضرورت خط لاتینی برای فارسی
مشکل استفاده از خط لاتینی برای زبان فارسی هرچند که امروزه در کامپیوتر و اینترنت است که به‌صورت یک محصل اصلی درآمده است، در جاهای دیگر نیز وجود دارد. امروزه در ایران سعی می‌شود که در همه تابلوهای راهنمایی و رانندگی نام خیابانها و کوچه‌ها را هم به خط فارسی-عربی بنویسند و هم به خط لاتینی. پاره‌ای از ناشران صفحه‌عنوانی هم به لاتینی برای کتاب خود درست می‌کنند. املاي حروف لاتینی در این موارد از یک قاعده صحیح یکسان برخوردار نیست.

مشکل خط فارسی در تلفن‌های همراه (موبایل) هم ظاهر شده است. هم‌اکنون از طریق این تلفن‌ها می‌توان پیام فرستاد و پیام دریافت کرد، و این پیامها نیز همه باید به خط لاتینی باشد. بعضی از آنها از مؤسسات دولتی و بانکی است. اخیراً پیامی دیدم که بانک ملی ایران برای مشتریان خود فرستاده است:

Haftadopanjomini salgarde tasise Banke Meli Iran bar melate sharife Iran gerami bad. Banke Meli Iran Amine Mardome Iran.

(هفتاد و پنجمین سالگرد تأسیس بانک ملی ایران بر ملت شریف ایران گرامی باد. بانک ملی ایران، امین مردم ایران).
در این پیام کوتاه اشکالات متعددی وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم: (۱) میان ا و آ تمییز داده نشده است؛ (۲) e که نشانه کسره است به کلمه قبل چسبیده است؛ (۳) همزه در tasis نیامده است؛ (۴) ملی (meli) تشدید ندارد.

نایکدستی در انتخاب خط لاتینی برای زبان فارسی در مکاتبات و اسناد رسمی نیز ایجاد مشکل می‌کند. اسامی ایرانی، اعم از اسامی اشخاص و نامهای جغرافیایی و غیره، را باید در اسناد و مکاتبات بین‌المللی و همچنین برای کالاهای تجاری به‌طور دقیق و یکدست نوشت. هرکس که بخواهد با خارج کشور تماس داشته باشد اسم خود را باید به صورت واحد بنویسد و همه اسامی ایرانیان نیز بهتر است از یک قاعده یکسان پیروی کند، نه این که هرکس هرچور که خواست بنویسد، و تازه مجبور باشد که مثلاً برای فرانسوی‌زبانان یک طور دیگر بنویسد، برای آلمانی‌زبانها طوری دیگر و برای انگلیسی‌زبانها طوری دیگر. این آشفتگی به ضرر ماست. نوشته‌های روی